



حسین مختاری معمار
عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

درخصوص «نقش و تواناییهای» فارغ التحصیلان این مقطع چنین آمده است:

الف. اداره کتابخانه‌های کوچک مراکز اسلامی (مساجد، حسینیه‌ها و غیره) روستاها، آموزشگاهها (دبستان و دوره راهنمایی) و کودکان.

ب. اداره کتابخانه‌های عمومی شهرهای کوچک و بزرگ (بجز کتابخانه‌های مرکزی مراکز استانها).

ج. کار در کتابخانه‌های عمومی مراکز استانها زیر نظر متخصصان سطوح بالاتر.

د. انجام وظایف نیمه حرفه‌ای در کتابخانه‌های دانشگاهی، تخصصی، ملی و مراکز خدمات کتابداری زیر نظر متخصصان سطوح بالاتر.^۲

آن گونه که از محتوای نکات فوق استنباط می‌شود، ماهیت این دوره‌ها بیشتر عمل‌کردی و کاربردی است. بنابراین دروسی هم که برای این دوره در نظر گرفته شده باید به جنبه‌های عملی بیشتر اهمیت دهد. مروری بر دروس تخصصی و غیرتخصصی دوره کاردانی نشان می‌دهد که

۱. برای پاسخ به این سؤال باید دید برنامه مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی در رشته کتابداری به چه منظوری و برای دستیابی به چه اهدافی تدوین شده و آموزش بینندگان را برای انجام چه کارهایی و برعهده گرفتن چه مسئولیتی آماده می‌سازد. اگر بعد از پایان آموزش، که در آن شرایط دیگری مثل مدرّس و منابع و... نیز فراهم بوده، فرد فارغ التحصیل بتواند از عهده امور مسئولیتهای محوله به خوبی برآید می‌توان گفت که برنامه درسی خوب تدوین شده و از محتوای سازنده‌ای برخوردار بوده و در نتیجه برنامه موفق از آب درآمده است.

برای این منظور برنامه درسی مقاطع کاردانی و کارشناسی منفرداً و کارشناسی ارشد و دکتری را توأماً مورد توجه قرار می‌دهیم.

ستاد انقلاب فرهنگی هدف از برگزاری دوره کاردانی را این گونه تعریف می‌کند: «... تربیت کتابداران نیمه حرفه‌ای... که بتوانند با متخصصان حرفه‌ای این رشته در کتابخانه‌های بزرگ، امور مربوط به کتابداری را در سطوح پایین‌تر به عهده بگیرند.»^۱ در جای دیگری از سند مزبور





برنامه آن، در صورت وجود شرایط لازم دیگر، می‌تواند فارغ التحصیلان را برای انجام وظایف و مسئولیت‌های تعیین شده تربیت کند. تنها نکته‌ای که ذکر آن در اینجا لازم است این که با توجه به پدیده جدید تکنولوژی اطلاعات و نفوذ روزافزون کامپیوتر در انواع مختلف کتابخانه‌ها ضروری است درسی مانند آشنایی با کامپیوتر و بانک‌های اطلاعاتی جزو دروس این دوره منظور شود، به طوری که فارغ التحصیل این مقطع بتواند آشنایی اولیه با آن به دست آورده و از کامپیوتر برای انجام کارهای ساده‌ای مثل ورود اطلاعات، جست و جو ساده و اخذ اطلاعات و گرفتن نسخه چاپی از آن و... استفاده کند.

در مقطع کارشناسی، هدف چنین تعیین شده است: «... آشنا ساختن دانشجویان با اهمیت نقش کتابخانه در گسترش فرهنگ و علوم و فنون در جامعه... به نحوی که آمادگی لازم را در جهت کار در انواع مختلف کتابخانه‌ها پیدا کنند و مهارت‌های لازم را در انجام این امور کسب نمایند»^۳. و در جای دیگر درباره نقش و توانایی فارغ التحصیلان این سطح از رشته کتابداری چنین آمده است:

الف. اداره کتابخانه‌های عمومی و آموزشگاهی در شهرهای بزرگ استانها.

ب. اداره کتابخانه‌های تخصصی کوچک با توجه به زمینه موضوعی (غیرکتابداری).

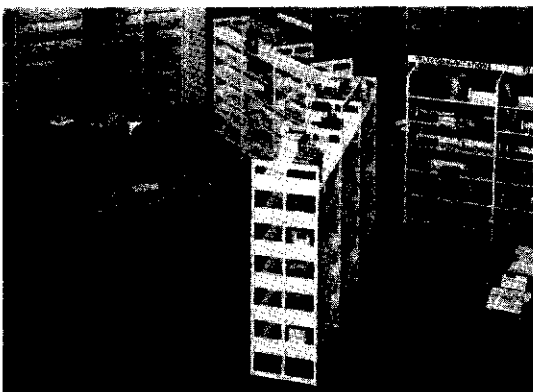
ج. انجام امور فنی و خدماتی در کتابخانه‌های عمومی، دانشگاهی و تخصصی بزرگ زیر نظر متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی.^۴

تصور نمی‌کنم دروسی که در این مقطع برای رسیدن به قسمت اول هدف مذکور (یعنی آشنا ساختن دانشجویان به اهمیت نقش کتابخانه در گسترش فرهنگ و علوم و فنون در جامعه) در برنامه درسی منظور شده وافی به مقصود باشد. فرهنگ موضوع پیچیده‌ای است و تمام شؤون زندگی اجتماعی هر جامعه‌ای را در برمی‌گیرد. برای شناختن فرهنگ هر جامعه باید همه جنبه‌های دخیل در آن را به خوبی شناخت. باید دید اولاً تاریخ تمدن، تاریخ فرهنگ، تاریخ هنر، ... (با تأکید بر تمدن و فرهنگ و هنرهای ملی و مذهبی) در کدام دروس به تفصیل بحث شده و ثانیاً سهم کتابخانه در ظهور و اعتلا و احیانا اضمحلال آنها چه بوده است. از طرف دیگر شناخت فرهنگ جامعه و مسائل و مشکلات اجتماعی عصر حاضر برای کتابدار ضروری است. در صورتی که در نظام آموزش کتابداری ما دروسی که مسائل و مشکلات اجتماعی و ارتباط آن با مسائل و مشکلات کتابخانه و کتابداری را بیان کند وجود ندارد. همچنین است فلسفه کتابداری که برای

دانشجوی کتابداری روشن نمی‌شود. کتابداری حرفه‌ای سرویس محور است و کتابداران باید خود را در خدمت جامعه بدانند و خود را وقف آن کنند. ولی در کدام یک از دروس کتابداری مفهوم عمیق این فلسفه برای دانشجویان بیان می‌شود و آنها را برای خدمت به جامعه تربیت می‌کند؟ نظام آموزش کتابداری در کشور ما به گونه‌ای است که دانشجویان ما را به فراگرفتن کارهای فنی کتابخانه و مخصوصاً فهرست‌نویسی و رده‌بندی تشویق می‌کند. دانشجوی کتابداری تصور می‌کند که کار کتابداری در فهرست‌نویسی و رده‌بندی مواد کتابخانه خلاصه می‌شود، و بنابراین یادگیری کارهای فنی را علی‌رغم دشواری آنها، به فراگیری دروس مثلاً مرجع و خدمات عمومی ترجیح می‌دهد. این نشان می‌دهد که دانشجویان نمی‌دانند سازماندهی مجموعه وسیله است نه هدف و از فلسفه کتابداری بی‌خبر است. دروس کتابداری باید دیدی وسیع و چشم‌اندازی گسترده از تأثیر و تأثر کتابخانه و جامعه را پیش روی کتابدار روشن کند.

برای دستیابی به قسمت دوم هدف مفروض به این مقطع (یعنی کسب آمادگی و مهارت‌های لازم جهت کار در انواع مختلف کتابخانه‌ها) ذکر چند مطلب حائز اهمیت است:

مطلب اول به منابع موجود در رشته کتابداری برمی‌گردد. رشته کتابداری به طور کلی از نظر داشتن منابع به زبان فارسی بسیار فقیر است و تاکنون برای هیچ یک از دروس، کتاب درسی تدوین نشده است. گرچه این نقیصه را تلاش‌های بی‌وقفه مدرسان دلسوز در قالب یادداشتهای کلاسی یا حتی جزوه درسی به ظاهر مرتفع می‌سازد ولی آیا همه کتابداری همین است که در کلاس توسط استاد گفته می‌شود؟! حتی اگر دانشجوی همه گفته‌های استاد را در کلاس درس با دقت تمام تحویل گرفته و منابع معرفی شده به زبان فارسی را هم مطالعه کند باز هم حق مطلب در مورد هر کدام از دروس، آن گونه که باید، ادا نشده و دانشجویان



آخرین پدیده‌های علم کتابداری بی بهره است و در مرزهای دانش قرار ندارد. درحالی که می‌دانیم آخرین پدیده‌های همه علوم و از جمله علم کتابداری در نشریات خارجی و عمدتاً به زبان انگلیسی درج و منتشر می‌شود. از طرف دیگر، بسیاری از ابزارهای کار کتابداری مانند نظام‌های رده‌بندی، سرعنوانهای موضوعی، نمایه‌ها و چکیده‌های علوم و فنون مختلف، اصطلاحنامه‌ها یا منابع مرجع خارجی مورد استفاده در کتابخانه‌های ما... عمدتاً به زبان انگلیسی است. خلاصه اینکه دانشجوی مقطع کارشناسی برای کسب اطلاع از آخرین پیشرفتهای کتابداری جهت کاربرد آنها در انواع مختلف کتابخانه‌ها و استفاده بهینه از ابزار کار، به شدت به منابع خارجی، بویژه به زبان انگلیسی، وابسته است. درحالی که بسیاری از دانشجویان رشته کتابداری به هنگام فراغ از تحصیل بهره کافی از زبان انگلیسی نبرده و در استفاده از ابزار کار و در مطالعه مقدمه یک کتاب به زبان انگلیسی برای درک موضوع آن به منظور مثلاً فهرست‌نویسی و رده‌بندی یا پاسخ به سؤال مرجع ناتوان هستند. اینان در اصل فن و مهارت لازم برای آن کار را کسب کرده‌اند ولی چون انگلیسی خوب نمی‌دانند حاصل کارشان چندان قابل توجه نخواهد بود. به عبارت دیگر، هشت واحد درس زبان انگلیسی (چهار واحد عمومی و چهار واحد متون تخصصی انگلیسی) در برنامه کارشناسی، آنان را برای انجام کاری که باید به عهده بگیرند آماده نمی‌کند.^۵

نکته دوم بازهم در مورد تکنولوژی جدید و کاربرد کامپیوتر در کتابخانه‌ها است. دو درس آشنایی با بانکهای اطلاعاتی و مبانی کامپیوتر و برنامه‌ریزی در حال حاضر برای دانشجویان مقطع کارشناسی این رشته تدریس می‌شود. تدریس نظری این دو درس دانشجوی رشته کتابداری را به اندازه کافی با کامپیوتر و قابلیت‌های آن آشنا نمی‌سازد و دانشجوی بعد از فراغ از تحصیل آن را خوب نمی‌شناسد و نسبت



به آن احساس بیگانگی می‌کند. شاید یکی از علت‌ها در این زمینه کمبود کامپیوتر در محیط درس و کثرت تعداد دانشجویان باشد. کامپیوتر در کتابخانه‌ها اکنون به منزله یک ابزار مطرح است و صرف آشنایی با آن برای دانشجو کافی نیست. دانشجو باید عمیقاً آن را بشناسد و قابلیت‌ها و تواناییهای آن را بداند و با آن انس بگیرد. دودرس فوق‌الذکر یا هر درس دیگری که به جای اینها یا در جوار اینها تدریس شود باید کاربردهای کامپیوتر در کتابخانه برای عمل‌آوری اطلاعات را یک به یک به دانشجو بیاموزد و به او فرصت داده شود که عملاً با کامپیوتر کار کند. کتابخانه‌های آینده ما بدون کامپیوتر از انجام رسالت خود باز خواهند ماند.

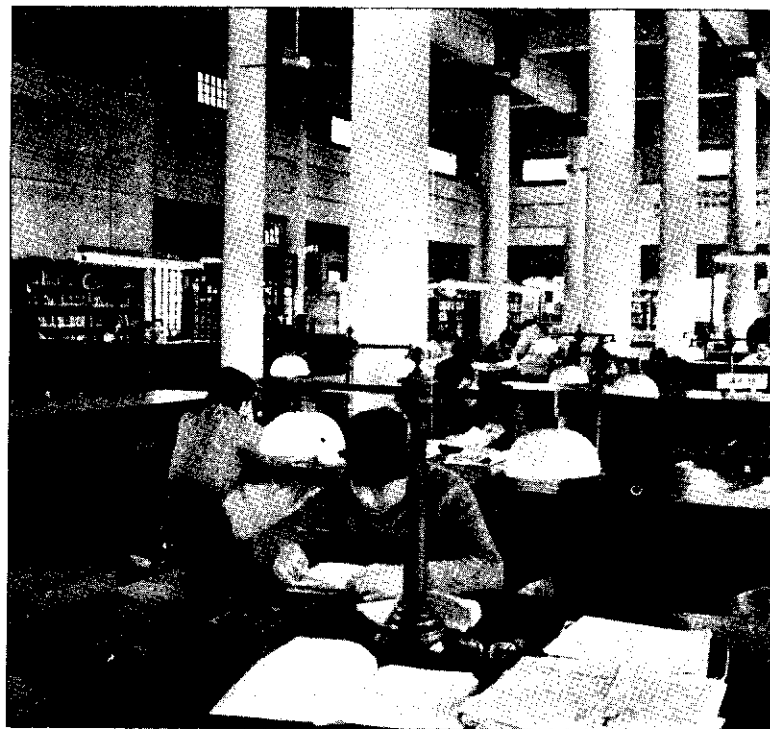
نکته سوم اینکه چرا مدیران کتابخانه‌ها را اغلب از غیرکتابداران انتخاب می‌کنند؟ آیا آنچه آنها در دوران تحصیل فرا گرفته‌اند برای تقبل مسئولیت کتابخانه کافی نیست؟ آیا فارغ‌التحصیلان ما اطمینان کافی به خود ندارند و دچار ضعف شخصیت هستند؟ ما باید درسی داشته باشیم که نحوه ایجاد روابط عمومی مؤثر و کارآمد با مسئولان سازمان مادر، شیوه برقراری ارتباط با مراجعه‌کنندگان، اخلاق کتابدار، ... و از این قبیل مسائل مربوط به اجتماع و محیط کار را به دانشجویان بیاموزد. شاید بخشی از این مطالب در قالب دروسی مانند اصول کار مرجع و خدمات عمومی، که اولی جزو دروس اجباری و دومی اختیاری است کم و بیش منظور شده باشد. درحالی که احساس می‌کنم پرداختن به این موضوعات عمق بیشتری می‌طلبد تا کتابدار را در ارتباط با جامعه‌ای که او برایش کار می‌کند موفق‌تر سازد.

مطلب آخر در این مورد این است که فارغ‌التحصیلان ما در بدو ورود به محیط کار، اعم از اینکه کتابخانه دانشگاهی باشد یا عمومی یا تخصصی، مدتی طول می‌کشد تا خود را با محیط وفق دهند. به عبارت دیگر آنان در ابتدای کار احساس غریبگی می‌کنند. این امر حاکی از آن است که چهار سال تحصیلات دانشگاهی آن گونه که باید دانشجویان را به محیط کار آشنا نمی‌سازد. گرایشهای موجود در مقطع کارشناسی برحسب علوم انسانی، علوم پایه و چند گرایش دیگر است و دانشجویان را برای کار در نوع خاصی از کتابخانه‌ها (دانشگاهی، عمومی، تخصصی، آموزشی، ...) آماده نمی‌کند. لذا دانشجوی پس از فراغ از تحصیل و در آغاز کار لازم است مدتی را صرف شناخت محیط و نوع سازمان و جامعه استفاده‌کننده کند. چه خوب بود که در جوار آموزش دروس گرایشی به دانشجو، ماهیت کار در انواع مختلف کتابخانه‌ها نیز به آنان تدریس می‌شد و دانشجو شناخت کافی از انواع مختلف کتابخانه‌ها و سازمانهای مادر را پیدا می‌کرد.





شاید یکی از راه‌حلهای برای برطرف کردن مشکل فوق، دروس کارورزی باشد. کارورزیها دروس مهمتی هستند و می‌توانند ضمن فراهم آوردن فرصتی مناسب برای به فعل درآوردن آنچه به صورت نظری به دانشجو آموخته شده چشم و گوش دانشجورا در محیط کار باز کنند و او را با سازمان کار و کتابخانه آشنا سازند. تعداد دروس کارورزی (۴ درس) و تعداد واحدهای آن (۱۴ واحد) هم، به نظر کافی و حتی بیش از حد لازم می‌آید. پس مشکل در کجاست؟ مشکل همان گونه که تجربه نیز نشان داده در محتوا و نحوه اجرای این دروس است. اغلب دانشجویانی که برای گذراندن دروس کارورزی به کتابخانه‌ها معرفی می‌شوند از اینکه کارهای عقب افتاده و اغلب پیش پا افتاده مثل ثبت کتابها در دفتر



اموال یا جابه‌جایی کتابها را بر آنها تحمیل کرده‌اند شکایت دارند. محتوا و نحوه اجرای این دروس باید مورد تجدید نظر قرار گیرد، کتابخانه‌هایی که دانشجوی کارورز بدانها معرفی می‌شود باید کتابخانه‌هایی فعال و جدی باشند، کتابدارانی که دانشجویان کارورز زیر نظر آنان کار می‌کنند باید افرادی دلسوز و مسئولیت‌پذیر باشند، قبلاً نسبت به ماهیت دروس کارورزی توجیه شوند، و آنها را دروسی واحد پرکن تلقی نکنند.

در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری مسأله ارائه خدمات

تخصصی، تربیت پژوهشگر و مدیر برای کتابخانه‌ها و مراکز اسناد، پرداختن به فلسفه کتابداری و برنامه‌ریزیها و سیاستگذاریهای کلان در این رشته و در سطح کشور و آموزش و پژوهش مطرح است. بررسی دروس دوره کارشناسی ارشد (و دروس دوره دکتری تا جایی که اینجانب اطلاع دارد و فعلاً تنها در دانشگاه آزاد اسلامی دایر است) نشان می‌دهد که هیچ کدام از این دو مقطع، دانشجورا برای مدرسی این رشته آماده و تربیت نمی‌کند. پیشنهاد می‌کنم از مقطع کارشناسی به بعد دو شاخه مشخص داشته باشیم؛ شاخه تربیت کتابدار و شاخه تربیت مدرس. برای دستیابی به شاخه دوم، گنجاندن دروسی در برنامه که علاقه‌مندان را به معلمی سوق دهد کارساز خواهد بود.

۲۰۲. برای پاسخ به این دو سؤال، از میان همه عوامل لازم، سه عامل عمده علم، بیان، و آگاهی به روشهای تدریس و اداره کلاس را مورد توجه قرار می‌دهیم. به نظر اینجانب شرط اول معلمی داشتن علم و احاطه لازم و کافی به موضوع مورد تدریس است. معلم باید نسبت به درسی که می‌خواهد بدهد به اندازه کافی اشراف داشته باشد. این اشراف از مطالعه مستمر، تحقیق و جست‌وجو حاصل خواهد شد. با احاطه نسبت به موضوع، معلم می‌تواند (در صورت داشتن شرایط دیگر) تمام ریزه کاریها و جوانب امر را با تمام ظرایفش به متعلم منتقل کند، سؤال برانگیزاند، تخم جستجورا در اذهان بکار و سوالات مطرح شده را پاسخ گوید.

مدرسان این رشته را از این نظریه دو گروه باید تقسیم کرد: گروه اول کسانی هستند که از زمان اشتغال به تدریس در دانشگاهها هرگز (و به هر علتی که بوده) فرصت شرکت در کنفرانسهای خارجی (و گاهی هم داخلی) را به دست نیاورده‌اند. هیچ کلاس بازآموزی ندیده‌اند، در کارگاهی شرکت نکرده‌اند و فکر و اندیشه خود را از این راهها صیقل نداده‌اند. اینان آنچه را خود در دوران تحصیل فرا گرفته‌اند با مطالعاتی که انجام داده و می‌دهند و تجربیات سالیان تدریس درهم آمیخته سعی می‌کنند اطلاعاتی را به دانشجو تحویل دهند. بدیهی است آموزش مداوم مدرسان می‌تواند اطلاعات آنان را روزآمد کرده و کیفیت تدریس را بالا ببرد.

گروه دوم کسانی هستند که پویایی بیشتری دارند، در هر سمینار و کنفرانسی شرکت می‌جویند، سخنرانی می‌کنند، مقاله می‌دهند و مقاله می‌شنوند! در کنفرانسهای بین‌المللی حضور پیدا می‌کنند، به مبادله افکار و اندیشه‌ها می‌پردازند و همواره دستی‌پُر دارند. می‌توان گفت اینان گردانندگان اصلی جامعه آکادمیک کتابداری ایران را تشکیل می‌هند. عده این دسته از مدرسان متأسفانه زیاد نیست.

شرط دوم معلّمی را می‌توان قدرت بیان ذکر کرد که در اصل مکمل شرط اول است. معلّمی که به این دو شرط مجهّز باشد بدون تردید در کارش موفق خواهد بود. ولی علمی که نتوان آن را به علت نبود قدرت بیان اشاعه داد و منتقل نمود و بیانی که بی محتوا باشد کار به جایی نخواهد برد. پیچیده‌ترین مسائل علمی را می‌توان با شیوایی بیان به شنونده القا نمود. مدرّسان این رشته خطیب نیستند و دوره نطق و خطابه هم ندیده‌اند و در عین حال اکثریت قریب به اتفاق آنان در سایه تجربیات ذیقیمتشان در کار خود موفق هستند.

مطلب دیگر اینکه عده‌ای از مدرّسان این رشته قبل از ورود به آن در زمینه‌های دیگری مشغول به کار بوده‌اند و بعدها به لحاظ عشق به معلّمی و به رشته کتابداری جذب تدریس در این رشته شده‌اند. بنابراین، عده کثیری از مدرّسان، اعم از اینکه بلافاصله پس از فراغ از تحصیل یا سالها بعد از آن و از حوزه‌های دیگر وارد این رشته شده باشند چیزی درباره آموزش نمی‌دانند و دوره‌ای به نام روش تدریس ندیده و نگذرانده‌اند و در نتیجه از روشهای تدریس مطلع نیستند. تنها شاید فرد یا افرادی که قبلاً آموزگار و یا دبیر بوده و بعداً به این رشته آمده‌اند از این روشها آگاهی داشته باشند. بنابراین، پیشنهاد می‌کنم دوره‌های کوتاه مدت روشهای تدریس تشکیل شده و مدرّسان جدید قبل از اشتغال به تدریس (و مدرّسان قدیمی در صورت تمایل) در این دوره شرکت جویند.

از اهمیت نکته دیگری هم نباید غافل بود و آن اینکه ماهیت این رشته ایجاب می‌کند که علم و عمل با هم تلفیق شوند. روی همین اصل، مدرّسانی که قبل از شروع به تدریس در کتابخانه‌ای سابقه کار مفید داشته و عملاً درگیر کار کتابداری بوده‌اند در کار تدریس هم موفق‌ترند. اینان زیر و بم کار را مخصوصاً در مورد دروس عملی به خوبی می‌دانند و به ظرایف و دقایق و کاربرد مسائل نظری در عمل آگاه‌ترند. به همین جهت شاید بهتر این باشد که مدرّسان کتابداری در کنار تدریس این رشته، در کتابخانه‌ای هم کار عملی انجام دهند یا پس از هر چند سال تدریس، مدّتی هم در کتابخانه عملاً کار کنند.

۳۰ و ۳۱. پاسخ به سؤال ۳ مستلزم انجام یک تحقیق جامع در کتابخانه‌های مراکز و دانشگاههای است که رشته کتابداری در آنها تدریس می‌شود. قدر مسلم اینکه کتابخانه‌های ۳۰ مؤسسه آموزشی مستقر در شهر تهران هیچ یک در حد استاندارد‌های بین‌المللی نیست^۶ تا به خوبی جوابگوی نیازهای دانشجویان رشته‌های مختلف از جمله رشته کتابداری نیز باشند. با این حساب کتابخانه‌های مراکز

آموزشی شهرستانها نیز گمان نمی‌رود بهتر از آنها باشند که در تهران مستقرند. به هر حال، وجود آزمایشگاههای کتابداری در کلیه دانشکده‌ها و مراکزی که این رشته در آنها تدریس می‌شود از ضروریات است. بسیاری از دروس تخصصی بویژه آنهایی که جزو دروس عملی هستند به ابزار کار و منابع خاصی نیاز دارند که تدریس آنها بدون وجود منابع مربوطه غیرمقدور است. از جمله این ابزارها طرحهای مختلف رده‌بندیها، سرعنوانهای موضوعی، منابع مراجعه فارسی و لاتین از همه نوع، انواع مختلف منابع غیر کتابی از مواد سمعی و بصری گرفته تا دیسکهای کامپیوتری، از ماشینهای تهیه میکروفورمها گرفته تا پایانه‌های کامپیوتری... همه و همه باید در آزمایشگاه کتابداری جمع آوری شود تا دانشجویان از آن به عنوان کارگاه استفاده کنند.

جا دارد در اینجا از کتاب درسی هم به عنوان منبع مورد لزوم، ولی نه اجتناب‌ناپذیر، برای آموزش دانشجویان این رشته نام ببریم. اگرچه برای این رشته هیچ کتاب درسی به معنی انحصار آن، تاکنون تألیف و تدوین نشده ولی ضرورت آن در روند آموزش غیرقابل انکار است و می‌تواند روند آموزش را آسان سازد. بخصوص که دانشجویان ما، بویژه دانشجویان جدیدالورود، با یادداشت برداری در سر کلاس درس مأنوس



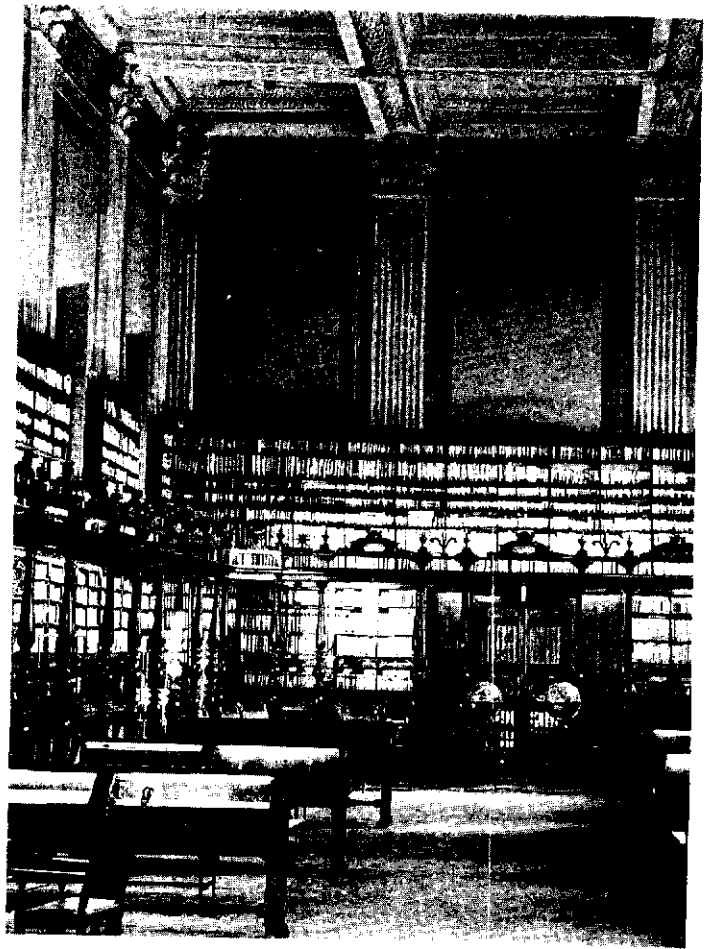


منابع کتابداری هم بخشی از منابع کتابخانه‌های آن دانشکده‌ها را تشکیل خواهد داد و سیاست مجموعه‌سازی و تدارک ابزار مورد نیاز در رشته کتابداری بستگی به بسیاری عوامل، از جمله مقبولیت این رشته و مدرسان و دانشجویان آن در بین مسئولان دانشکده‌های مربوط خواهد داشت.

۶. در حال حاضر گروه‌های کتابداری در دانشگاه‌های مختلف عمدتاً وابسته به دانشکده‌هایی مانند علوم تربیتی یا ادبیات و علوم انسانی هستند. ارجح این بود که گروه‌های کتابداری به دانشکده کتابداری تبدیل شوند، و این البته شرایط زمانی و مکانی خاصی را می‌طلبد.^۷ در هر حال، این گروه کتابداری وابسته به این یا آن دانشکده باشد مهم نیست. مهم آن است که گروه در سازمان مادر از مقبولیت لازم برخوردار بوده و به چشم فرزند ناتنی بدان نگریسته نشود، بلکه در همه موارد از تخصیص اعتبارات گرفته تا امکانات رفاهی استادان و از بودجه خرید کتاب و سایر منابع گرفته تا در اختیار گذاشتن فرصت‌های مطالعاتی، هیچ گونه تبعیضی در بین نباشد و در تقسیم مسئولیتهای کلیدی دانشکده، گروه کتابداری را همان گونه ببینند که سایر گروه‌های موجود در دانشکده را می‌بینند.

۷. رشته کتابداری مثل رشته‌های پزشکی، مهندسی، دبیری، ادبیات و غیره در جامعه ما شناخته شده نیست و کمتر کسی از نوع کار، مسئولیتهای، ارزش شغلی، حقوق و مزایا و سایر مشخصات آن با اطلاع است. از طرف دیگر، آن دسته از جوانان فارغ التحصیل دبیرستانی که توان پذیرفته شدن در رشته‌های برجسته دانشگاهی را نداشته و در عین حال می‌خواهند به هر ترتیبی شده وارد دوره‌های تحصیلات عالی دانشگاهی شوند، رشته کتابداری را از جمله آخرین رشته‌های انتخابی خود در کنکورهای سراسری انتخاب می‌کنند. و به همین لحاظ است که بعضی از آنها پس از ورود به رشته و آگاهی از چند و چون آن، که علایق و خواسته‌های خود را در آن منعکس نمی‌بینند در همان اوایل کار تغییر رشته می‌دهند یا ترک تحصیل می‌کنند. اگر هم ادامه تحصیل می‌دهند و فارغ التحصیل می‌شوند، در کتابخانه‌ها مشغول به کار نمی‌شوند. یا اگر مشغول به کار شوند به پیشرفت این حرفه کمک نمی‌کنند و نمی‌توانند بکنند.

برای ورود به این رشته باید مقرراتی خاص و استانداردهایی در سطح بالا برای صلاحیتها در نظر گرفت. مثلاً همان گونه که قبلاً نیز اشاره رفت یکی از نیازمندیهای ادامه تحصیل در این رشته آشنایی کافی به زبان انگلیسی است. چرا در گزینش دانشجویان برای این رشته ضریب این درس را بالا نمی‌گیرند تا دانشجویان همان ابتدا با سود کافی



نیستند و انتظار دارند که همه چیز برایشان دیکته شود. در عین حال، چنانچه کتابی به عنوان کتاب درسی تدوین شد و در اختیار دانشجویان قرار گرفت نباید چنین تصور شود که همه مطالب در آن کتاب به طور کامل و جامع آمده و می‌تواند نیازهای آن درس را در حد کفایت برآورده سازد. این است که با کتاب درسی در سطح دانشگاه با احتیاط باید رفتار کرد.

متأسفانه اغلب اتفاق می‌افتد که اگر تصمیم گرفته می‌شود این رشته یا هر رشته دیگری برای اولین بار در یک دانشگاه یا هر مؤسسه آموزشی دیگری دایر شود کتابدار و کتابخانه آن سازمان از این امر بی‌خبر است و خود را برای کمک به آغاز و پیشبرد آموزش آن آماده نکرده است و تازه بعد از شروع رشته است که اندک اندک منابع مربوط فراهم آوری می‌شود. از طرف دیگر رشته کتابداری در هیچ دانشگاهی در قالب دانشکده‌ای مستقل تدریس نمی‌شود، بلکه در تمام دانشگاه‌ها این رشته به صورت گروهی از گروه‌های وابسته به این یا آن دانشکده است. در چنین شرایطی طبیعی است که





نفع هیچ یک از گروهها نبوده و باعث تکروری است، و تکروری در هیچ حال مقبول نیست و در مجموع به ضرر حرفه تمام می شود.

سازمان یا انجمنی وجود ندارد که این گروهها را به هم نزدیک کرده به آنها تشکل ببخشد و فعالیتهای آنها را منسجم کند که این تشکل در نهایت به نفع حرفه کتابداری خواهد بود.

جای نشریه ای که بتواند به منزله تریبون گروههای آموزشی این رشته عمل کند نیز خالی است. نتیجه اینکه اعضای گروهها از اخبار مربوط به یکدیگر بی خبرند. اگر دوره جدیدی تشکیل می شود، اگر فرد جدیدی وارد یکی از گروهها می شود یا فرد دیگری بازنشسته می گردد، به سفر مطالعاتی می رود، ارتقاء می یابد... اگر کتابی در دست تألیف یا ترجمه است، اگر سخنرانی یا دفاع از رساله هست... اخباری است که بعد از آنکه کهنه شد به گوش افراد ذینفع می رسد، خلاصه اینکه اطلاع رسانی که حرفه کتابداران است، در بین اهل حرفه ضعیف و ناقص انجام می گیرد. لازمه همه اینها و خیلی چیزهای دیگر، تشکیل و راه اندازی انجمنهای کتابداری است.

۸. مشکلی در این رابطه احساس نمی کنم. همان گونه که ما آنها را به عنوان همکار قبول داریم آنها نیز ما را به چشم همکار نگاه می کنند. ذکر یک نکته در این خصوص لازم است و آن اینکه چون در اغلب دانشکده هایی که رشته کتابداری در آنها وجود دارد اداره کتابخانه دانشکده (و حتی کتابخانه مرکزی دانشگاه) به عهده گروه کتابداری است یا حداقل در رأس کتابخانه، یکی از اعضای هیئت علمی این گروه قرار دارد.

در زبان انگلیسی وارد این رشته شود؟ در این صورت می توان تعدادی از واحدهای انگلیسی او را در طول دوران تحصیل کاهش داد و در عوض به تعداد واحدهای دروس تخصصی دیگر افزود. یا چرا معرفی کافی از این رشته در دفترچه های کنکور به عمل نمی آید تا داوطلب با آگاهی کافی آن را انتخاب کند؟ تنها در این صورت است که دانشجوی پس از ورود به رشته ترک تحصیل یا تغییر رشته نخواهد داشت و جای فرد واجد شرایط دیگری در کلاسهای درس خالی نخواهد ماند و نهایتاً اینکه برنامه ریزیهای انجام شده جهت تأمین نیروهای متخصص کتابخانه ها به نتیجه خواهد رسید.

اگر هدف همان است که گفته شد حتی می توان در قبال آموزشی که ارائه می شود جهت خدمت در کتابخانه ها از دانشجو تعهد گرفت و از پذیرش دانشجویان شاغل در استخدام رسمی سازمانها و وزارتخانه ها، که اغلب در مقطع کارشناسی ارشد مشاهده می شود و صرفاً به منظور اخذ مدرک و برای استفاده از مزایای قانونی آن وارد این رشته می شوند جلوگیری کرد.

۸. مقاطع مختلف تحصیلی، از کاردانی گرفته تا دکتری، علی الاصول بر مبنای مطالعات و ارزیابیها از وضعیت نیازهای جامعه تدوین و راه اندازی می شود. برنامه ریزی برای این مقاطع در دراز مدت، نیروی انسانی لازم برای اشتغال در کتابخانه ها و مراکز اسناد و غیره را فراهم آورده در عین حال راهی نیز برای تأمین نیروی انسانی اعضای هیئت علمی دانشگاهها باز می کند. در صورتی که برنامه های کوتاه مدت آموزشی به منظور پاسخگویی سریع به نیازهای جامعه که در مقطع زمانی خاصی بوجود آمده و می آید تنظیم و اجرا می گردد. در کشور ما هر دو نوع برنامه ریزی لازم و ضروری است، و براساس همین ضرورت، برنامه های کوتاه و بلند مدت دانشگاهی و سازمانی از گذشته تا کنون وجود داشته است.

اگر مسئولان برنامه ریزی و جذب دانشجوی برای دانشگاهها، مطالعات نظام یافته و مستمری از نیازهای کشور داشته و به موقع از نیازهای آموزشی کشور آگاه شوند قادر خواهند بود برنامه ریزی دقیقی برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز انجام داده و با تربیت و ورود به موقع نیروهای کارآموده به بازار کار، سازمانهای دیگر را از راه اندازی تشکیلات عریض و طویل آموزشی بی نیاز سازند.

۹. گروههای آموزشی رشته کتابداری در دانشگاههای مختلف کشور متأسفانه از هم بیگانه اند، از فعالیتهای یکدیگر بی خبرند، با یکدیگر همکاری ندارند، و اگر هم دارند به صورت سازمانی عمل نمی کنند. این بیگانگی و بی خبری به





ارزش کار ما برای سایر گروه‌ها در کارهای آکادمیک ملموس تر است. اگر کتابخانه خوب اداره شود و نیازهای علمی گروه‌های همجوار را به خوبی پاسخگو باشد قضاوت آنان نسبت به کتابخانه و کتابداری و در نتیجه گروه کتابداری مثبت و در غیر این صورت منفی خواهد بود.

۱۱. فارغ التحصیلان ما بعد از آنکه در جایی مشغول به کار می‌شوند نمی‌توانند خود را در محیط کار مطرح کنند، ارزش کار خود را نشان دهند و حمایت مسئولان سازمان مادر را جلب کرده برای کتابخانه و کتابداری حامی و طرفدار پیدا کنند. فارغ التحصیلان ما عمدتاً در کارها و خدمات فنی کتابخانه و کتابداری مهارت لازم را کسب می‌کنند ولی از نظر تبلیغ و معرفی کتابخانه خود، خدماتی که کتابخانه می‌تواند به جامعه استفاده کننده برساند و به طور کلی در ایجاد روابط عمومی ضعیف هستند.

ضعف دیگری که در ارتباط با آموخته‌های فارغ التحصیلان این رشته قابل ذکر است در ارتباط با پدیده جدید تکنولوژی اطلاعات است. متخصصین کامپیوتر در بازار کار با تکیه بر تواناییهای کامپیوتر در حوزه کتابداری و اطلاع رسانی رخنه کرده‌اند و نزدیک است که کار را از دست کتابداران بریابند. در صورتی که کامپیوتر ابزاری است که می‌تواند کار کتابداری و اطلاع رسانی را سهولت و سرعت و بهبود ببخشد. اطلاعات کتابداران در زمینه عمل آوری اطلاعات و کاربرد کامپیوتر در کتابخانه‌ها باید به اندازه‌ای باشد که افرادی خارج از این حوزه نتوانند در آن صاحب نظر باشند. بنابراین، آموخته‌های دانشجویان کتابداری باید در این زمینه تقویت شود.

۱۲. تاریخ جوامع نشان داده است که هرگاه آرامش و ثبات سیاسی و اقتصادی نسبی در جامعه‌ای حکمفرما بوده توجه به وضع آموزش و فرهنگ و در نتیجه کتابخانه‌ها از اولویت بیشتری برخوردار شده است. کشور ما اینک بعد از پشت سر گذاشتن هشت سال جنگ تحمیلی و برنامه پنجساله اول توسعه اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی می‌رود تا در مسائل فرهنگی و آموزشی نیز سرمایه گذاری کند. جامعه از این لحاظ در حال دگرگونی عمیقی است و مسائل مربوط به کتابخانه‌ها هم جدا از این مقوله نیست. اخبار روزانه مطبوعات همه روزه حاکی از احداث و افتتاح ساختمان کتابخانه، راه اندازی نمایشگاه کتاب، خرید کتاب برای کتابخانه‌ها، استخدام کتابدار، افتتاح دوره‌های آموزش کتابداری و غیره است. این روند به طور قطع در برنامه پنجساله اول سرعت بیشتری خواهد گرفت. هم‌اکنون که تور داغ است، مسئولان برنامه ریزی آموزشی برای رشته کتابداری



باید از فرصت استفاده کرده با انجام بررسی و مطالعات دقیق و برآورد نیازها، حداقل برای پنج سال آینده برنامه ریزی کنند. با تجدید نظر در تعداد واحدهای درسی، برنامه درسی، نوع و محتوای دروس، باید این رشته را برای پاسخگویی به نیازهای درحال دگرگونی جامعه آماده ساخت. برای بهبود کیفیت آموزش، سطح بالایی از استانداردها را برای ورود به این رشته و ادامه تحصیل و اشتغال به کار باید تعیین کرد و به کار برد. و همین خود موجب کسب ارزش و اعتبار و امتیازات معنوی برای این حرفه و شاغلین آن خواهد شد. داوطلبان ورود به این رشته باید با شناخت و علاقه و با داشتن تواناییها و استعدادهای سطح بالا وارد این رشته شوند، نه صرفاً برای ورود به دانشگاه. به مسائل و مشکلات خانوادگی، شخصی و عاطفی دانشجویان باید توجه داشت ولی اجازه نداد بعضی از آنان از این توجهات سوءاستفاده کرده به حرفه لطمه بزنند. مدرسان این رشته برای اعتلا و عزت حرفه کتابداری باید بیشتر از پیش زحمت بکشند، مربیان جوان برای گذراندن دوره‌های بالا تر مخصوصاً در کشورهای پیشرفته از نظر کتابداری اعزام شوند و همه اعضای هیئت علمی فرصتهای مطالعاتی داشته باشند، در کنفرانسها و گردهماییهای داخلی و خارجی به راحتی شرکت کنند و اطلاعات خود را بالا ببرند، و بالاخره منسجم بوده و تشکل داشته باشند.

نویسحات:

۱. نقل از مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره کاردانی کتابداری مصوب ۶۱/۱۲/۲۱ ستاد انقلاب فرهنگی، ص ۴.
۲. همان، ص ۵.
۳. نقل از مشخصات کلی برنامه و سرفصلهای دروس دوره کارشناسی کتابداری مصوب ۱۳۶۹/۸/۶ شورای عالی برنامه ریزی، ص ۶.
۴. همان، ص ۷.
۵. یکی از دلایل عمده برای این که هشت واحد زبان انگلیسی کارساز نیست این است که اکثر دانشجویان با پایه‌ای ضعیف در زبان انگلیسی وارد دانشگاه می‌شوند.
۶. محمود حقیقی، «ارزیابی مجموعه کتابخانه‌های دانشگاهی شهر تهران»، پیام کتابخانه، سال سوم، شماره اول (بهار ۱۳۷۲)، ص ۱۸-۳۶.
۷. طرح تبدیل گروه کتابداری به دانشکده کتابداری و اطلاع رسانی هم‌اکنون در دانشگاه علوم تربیتی دانشگاه تهران در دست بررسی است.